

دقیقا مثل تعریفی که برگرفته از کتاب "صبحانه در تیفانی" درباره
"هالی گولایتلی" است؛ "او همیشه عینک دودی به چشم داشت؛
لباس پوشیدنش بی عیب و نقص بود، یک نوع آراستگی سنجیده
در سادگی لباس هایش وجود داشت؛ آبی و خاکستری، و نبود جلوه
اضافی که به او جاذبه می داد."

